

امام جواد (علیه السلام) به روایت اهل سنت

<"xml encoding="UTF-8?">



سرآغاز

عمر کوتاه، اما پربرکت و البته پرحادثه امام جواد (علیه السلام) و وقایعی که در مدت کوتاه امامت ایشان رخ داده - که تمامی آنها دلالت بر عظمت بی نهایت امام جواد (علیه السلام) دارد - از دیدگاه اهل سنت، جالب و شنیدنی است. آنچه پیش روی دارید، گوشه ای از فضائل حضرت و اعترافات بزرگان اهل سنت نسبت به امام جواد (علیه السلام) می باشد.

دودمان

خطیب بغدادی در تاریخ خود، دودمان امام را چنین می نگارد: محمد بن علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب. (1)

کنیه و القاب

کنیه ایشان ابوجعفر (2) و طبق نقلی ابومحمد می باشد. (3) ایشان به ابوجعفر ثانی معروف می باشد؛ چرا که هم نام و هم کنیه جدّ خویش امام محمد باقر (علیه السلام) می باشد. (4)

القاب ایشان تقی (5)، مرتضی، قانع (6)، جواد (7)، منتجب (8)، هاشمی و حسینی (9) می باشد که معروف ترین آنها جواد است. (10) ذهبی درباره لقب امام چنین می گوید: و کان احد الموصوفین بالسّخاء و لذلك لقب بالجواد. (11)

والدین امام (علیه السلام)

پدر بزرگوار ایشان، امام علی بن موسی الرضا (علیه السلام)؛ ولی در نام مادرشان اختلاف است. برخی، ایشان را سکینه مریسیه (12) یا خیزران یا سبیکه یا سکینه یا ریحانه (13) نامیده اند.

ولادت و شهادت

در تاریخ ولادت و شهادت امام، سخنان گوناگونی گفته شده که به آنها اشاره می شود:

ایشان در سال 195 ق. به دنیا آمده (14). برخی شب جمعه 19 ماه مبارک رمضان (15)، گروهی دیگر روز سه شنبه پنجم ماه مبارک رمضان (16) و برخی دیگر دهم ماه رجب (17) را تاریخ ولادت امام ثبت کرده اند.

در مورد وفات ایشان، خطیب بغدادی در تاریخ خود می نویسد: ایشان در روز سه شنبه، اواخر ماه ذی حجه سال 220 ق. در سنّ 25 سالگی و سه ماه و دوازده روز، در بغداد رحلت کرده و در کنار جدّش موسی بن جعفر به خاک سپرده شد. (18) اکثر اهل سنت نیز سال وفات امام را 220 ق. و در سنّ 25 سالگی دانسته اند. (19) اما برخی دیگر، 5 ذی حجه (20)، و برخی دیگر، سه شنبه آخر ذیقعده (21) را تاریخ وفات امام شمرده اند. در مقابل، برخی دیگر سال رحلت امام را آخر ذی حجه (22) یا آخر ذی قعده (23) سال 219 ق. در سنّ 25 سالگی ثبت کرده اند.

لازم به ذکر است که کسانی همچون: شمس الدین ذهبی، ابن عماد حنبلی، ابن بطوطه و سبط بن جوزی ضمن تجلیل از امام در مورد مزار ایشان و امام موسی بن جعفر چنین گفته اند: و مشهدهما ینتابه العامة بالزیارة. (24)

شهادت یا رحلت؟

در مورد شهادت امام، سخنان گوناگونی گفته شده؛ برخی از اهل سنت در این رابطه سکوت کرده و برخی دیگر با اشاره به شهادت امام قضیه را با تردید (25) ثبت و گزارش کرده اند. با این حال، مسعودی رحلت امام را این گونه بیان می کند:

ایشان بعد از این که به دعوت معتصم خلیفه عباسی، با همسر خود ام فضل (دختر مأمون) به بغداد آمد؛ چندی بعد، به وسیله ام فضل مسموم شد. (26)

ظاهر کلام مسعودی این است که ام فضل به تحریک معتصم این کار را انجام داده (27) اما برخی دیگر معتقدند: ام فضل وصیت پدرش مأمون را انجام داده است. (28)

اولاد امام (علیه السلام)

ایشان، دو پسر و دو دختر به نام های: علی (امام هادی علیه السلام)، موسی، فاطمه و امامه به یادگار گذاشتند. (29) که مشهورترین آنها، به تعبیر سبط بن جوزی علی، امام ابوالحسن عسکری می باشد (30) که جانشین بعد از ایشان می باشد. (31)

جایگاه حدیثی امام (علیه السلام)

پیرامون جایگاه حدیثی امام در میان اهل سنت صریحاً اشاره نشده و تنها مطلبی که در این باره بیان شده، این است که ایشان به صورت مسند از پدرانیش از پیامبر حدیث نقل می کند. (32) و بعضاً سعی در کنار زدن و تحقیر امام دارند. و علت این کار را، خردسالی امام عنوان می کنند! (33) در حالی که با مراجعه به کتب اهل سنت در

می یابیم بزرگان و دانشمندان بنام اهل سنت با وجود خردسالی امام، از ایشان به بزرگی یاد کرده و حدّاقل به خاطر اینکه از سلاله رسول الله می باشند، احترام فراوانی نسبت به امام ابراز می کنند.

امام (علیه السلام) به روایت اهل سنت

1. مأمون، خلیفه عباسی (متوفای 218 ق.)؛ وی امام جواد را با اینکه کودکی نه ساله بود، صاحب فضل و علم و کمال عقل می دانست. و بدین خاطر، قصد ازدواج دخترش ام فضل را برای امام داشت (البته این، قصد ظاهری مأمون بوده و گرنه قصد اصلی وی کنترل امام بوده است) که با وجود مخالفت بنی عباس و اثبات فضیلت امام، جلسه مناظره امام با یحیی بن اکثم را ترتیب داده و در آنجا ثابت نمود که امام با وجود کودکی از نظر فضل و معرفت و حلم، سرآمد دیگران است. و ترتیب ازدواج امام با ام فضل را مهیا نمود و چنین گفت: «الحمد لله علی ما منّ به علی من السداد فی الامر والتوفیق فی الرأی. و أقبل علی أبی جعفر و قال: إني مزوّجک ابنتی أم الفضل و ان رغم أنوف قوم...» (34)

2. قاضی یحیی بن اکثم (متوفای 242 ق.)؛ وی که یکی از دشمنان خاندان نبوت و امامت است - که در مقاطع مختلف و در حضور خلیفه عباسی و سایر بزرگان بنی عباس، مغلوب امام جواد نه ساله شده است (35) - اعتراف می کند:

روزی نزدیک تربت پیامبر، امام جواد (علیه السلام) را دیدم، با او در مسائل مختلفی به مناظره پرداختم و همه را پاسخ داد. گفتم: به خدا سوگند! می خواهم چیزی از شما بپرسم ولی شرم دارم. امام فرمود: من پاسخ را بدون آنکه پرسشت را به زبان بیاوری، به تو می گویم؛ تو می خواهی پرسشی امام کیست؟ گفتم: آری، به خدا سوگند! پرسش همین است. فرمود: امام، منم. گفتم: نشانه ای بر این ادّعا دارید. در این هنگام، عصایی که در دست امام بود، به سخن آمد و گفت: او، مولای من و حجّت خداست. (36)

3. احمد بن علی خطیب بغدادی (متوفای 463 ق.)؛ وی نام امام را به مناسبت ورود ایشان به بغداد، در تاریخ خود ثبت و ضبط کرده و درباره ایشان می گوید: «محمد بن علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب، ابوجعفر بن الرضا، قدم من مدینة رسول الله الی بغداد... فتوفی فی بغداد و دفن فی مقابر قریش عند جدّه موسی بن جعفر... و قد أسند محمد بن علی عن أبيه.» (37)

و در ادامه، احادیثی در فضیلت امام علی و فاطمه زهرا و امام حسن و امام حسین (علیهم السلام) به نقل از امام جواد (علیه السلام) ذکر می کند.

4. عزالدین ابن اثیر جزیری شیبانی (متوفای 630 ق.)؛

«محمد بن علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن علی (علیه السلام)... و هو احد الائمة عند

5. شيخ محيى الدين ابوبكر محمد بن على طائى حاتمى اندلسى (متوفى 638 ق.):
«على باب الله المفتوح و كتاب الله المشروح، ماهية الماهيات، مطلق المقيدات و سرّ السّريات الوجود، ظلّ الله المدود، المنبع فى مرآة العرفان و المنقطع من نيله حبل الوجدان، غواص بحر القدم، محيط الفضل والكرم، حامل سرّ الرسول، مهندس الارواح والعقول، اديب معلمة الاسماء والشؤون، فهرس الكاف والنون، غاية الظهور والايجاد محمد بن علىّ الجواد(عليه السلام).» (39)
 6. محمد بن طلحه شافعى (متوفى 652 ق.): «...و ان كان صغير السنّ فهو كبير القدر، رفيع الذكر، و مناقبه رضى الله عنه كثيرة... اما مناقبه فما اتسعت حلّبات مجالها و لا امتدت اوقات آجالها بل قضت عليه الاقدار الالهية بقلة بقاءه فى الدنيا بحكمها و استجالتها فقلّ فى الدنيا مقامه و عجلّ القدوم عليه لزيارة حمامه فلم تطل بها مدته و لا امتدت فيها ايامه غير انّ الله عزّوجلّ خصّه بمنقبة متالقة فى مطالع العظيم بارقة انوارها مرتفعة فى معارج التفضيل قيمة اقدارها بادية لعقول اهل المعرفة آية اثرها و هى و ان كانت صغيرة فدلالتها كبيرة.» (40)
 7. سبط بن جوزى (654 ق.): «محمد الجواد... و كان على منهاج ابيه فى العلم والتقى والزهد والجود...» (41)
 8. محمد بن يوسف گنجى شافعى (658 ق.); وى نهمين پيشوا بعد از امام رضا(عليه السلام) را امام جواد(عليه السلام) دانسته و مى گويد: «الامام بعد الرضا، الجواد محمد المرتضى...» (42)
 9. عمر بن شجاع الدين موصلى شافعى (660 ق.): «و هو الامام التاسع الناطق بالسداد والمتمّصف بالرشاد و العلم المستفاد، والفضل المنتشر بين العباد، المكين الامين، وارث النبیین، و خلاصة ربّ العالمين، الكبير العلم والحلم، ذوالمنطق البليغ والتبيان، و الفصاحة والبيان، والجواد العامر، والعقل الباهر، الذى له من الروايات اعلاها، و من المناقب اجلّها و اسمائها...» (43)
 10. شمس الدين احمد بن خلّكان (681 ق.): «ابوجعفر محمد بن علىّ الرضا بن موسى الكاظم بن جعفر الصادق بن محمد الباقر... المعروف بالجواد، احد الائمة الاثنى عشر... و كان يروى مسندا عن آبائه الى على بن ابى طالب رضى الله عنه... و له حكايات و أخبار كثيرة... و دفن عند جدّه موسى بن جعفر رضى الله عنهم اجمعين فى مقابر قريش.» (44)
 11. عماد الدين اسماعيل ابوالفداء دمشقى (732 ق.): «محمد الجواد بن على بن موسى بن جعفر بن محمد بن على بن الحسين بن على بن ابى طالب و هو احد الائمة الاثنى عشر عند الامامية... و هو تاسع الائمة الاثنى عشر.» (45)
 12. شمس الدين ذهبى (748 ق.): «ابوجعفر الهاشمى الحسينى... كان من سروات آل بيت النبى... و كان احد الموصوفين بالسّخاء و لذلك لقب الجواد... و هو احد الائمة الاثنى عشر الذين تدعى الشيعة فيهم العصمة...» (46)
- و نيز مى گويد: «الشريف ابوجعفر محمد الجواد بن على الرضا بن موسى الكاظم الحسينى، احد الاثنى عشر اماما

الذين يدعى الرافضة فيهم العصمة... و دفن عند جدّه موسى و مشهدهما ينتابه العامة بالزيارة.» (47)
اما در جای دیگر می گوید: «محمد الجواد من سادة قومه لم يبلغ رتبة آباءه في العلم والفقه.» (48)

13. زين الدين بن الوردی (749 ق.): «محمد الجواد بن علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن علی رضی الله عنه، احد الائمة الاثنی عشر علی مذهب الامامية... و محمد تاسع الاثنی عشر...» (49)

14. ابن تیمیه حرّانی دمشقی (758 ق.): «محمد بن علی الجواد کان من اعیان بنی هاشم و هو معروف بالسّخاء و السؤدد و لهذا سمّی الجواد...» (50)

15. عبدالله بن اسعد یافعی یمنی (768 ق.): «الشریف ابوجعفر محمد الجواد بن علی الرضی بن موسی کاظم بن جعفر الصادق بن محمد الباقر، احد الاثنی عشر اماما الذین يدعى الرافضة فيهم العصمة... و کان الجواد یروی مسندا عن آباءه الی علی بن ابی طالب رضوان الله تعالی علیهم اجمعین... و لمّا توقّی دفن عند جدّه موسی بن جعفر فی مقابر قریش.» (51)

16. محمد بن عبدالله، معروف به ابن بطوطه (779 ق.)؛ وی در سفرنامه خود از ضلع غربی بغداد چنین می گوید: «وفی هذا الجانب الغربي من المشاهد و هو فی محلّة باب البصرة... و فی هذا الجانب قبر موسی کاظم بن جعفر الصادق، والد علی بن موسی الرضا... و الی جانبه قبر الجواد، و القبران داخل الروضة علیهما و کأنّ ملبسة بالخشب علیه الواح الفضة.» (52)

17. جمال الدین یوسف بن تغری اتابکی (874 ق.): «محمد بن علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب، ابوجعفر و قیل ابومحمد، و کان یلقّب بالجواد و بالمرتضی و بالقانع... و کان خصیصاً عند المأمون...» (53)

18. فضل الله بن روزبهان خنجی اصفهانی (927 ق.): «اللهم وصلّ و سلّم علی الامام التاسع، الاّواب السجّاد، الفائق فی الجود علی الاجواد، مانح العطایا و الاوفاد، لعامة العباد، ماحی الفوایة و العناد، قانع ارباب البغی و الفساد، صاحب معالم الهدایة و الارشاد، الی سبل الرشاد، المقتبس من نور علومه الافراد، من الابدال و الاوتاد، ابی جعفر محمد التقی الجواد بن علی الرضا ساکن روضة الجنّة بأنعم العیش، المقبور عند جدّه بمقابر قریش. اللهم صلّ علی سیّدنا محمد و آل سیّدنا سیّما الامام السجّاد محمد التقی الجواد.» (54)

19. غیاث الدین بن همام الدین شافعی، معروف به خواندمیر (942 ق.)؛ وی در احوالات امام چنین می گوید: در اوایل ایام صبی و مبادی آوان نشو و نما، شمایم امامت و سروری از صادرات افعال آن غنچه گلبن نبوّت در دمیدن بود، و نسایم کرامت و دین پروری از واردات احوال آن نهال گلشن فتوّت در وزیدن. رخسار فایز الانوارش سپهر علم و دانش را آفتابی بود از افق دودمان مصطفوی طالع گردیده، و قامت موفور الاستقامتش گلزار مجد و معالی را شجره بود بر جویبار خاندان مرتضوی بالا کشیده، دلایل امامتش به موجب نصّ آباء نامدارش در غایت ظهور، و امارات جلالتش در کتب متقدمین و متأخرین بأقلام اهتمام مستور.

امام تقی، نقی جواد	فطانت نهاد، کرامت نژاد
ز صلب شریف علی الرضا	ز اولاد دین پرور مرتضی

گل سوری بوستان رسول	نهال ثمر بخش باغ بتول
بفضل کرم آنچنان شهره گشت	که صیتش ز اوج فلک در گذشت
ز حد بود بیرون کرامات او	ز حصر است افزون مقامات او (55)

20. شمس الدین محمد بن طولون دمشقی (953 ق.): «و تاسعهم ابنه محمد و هو ابوجعفر محمد الجواد بن علی الرضا بن موسی کاظم بن جعفر الصادق بن محمد الباقر بن علی زین العبادین بن الحسین بن علی بن ابی طالب رضی الله عنهم، المعروف بالجواد... و له حکایات و اخبار کثیرة و کان یروی مسندا عن آبائه الی علی بن ابی طالب.» (56)

21. حسین بن محمد دیار بکری (966 ق.): وی درباره امام می گوید: «الشریف محمد الجواد ولد علی بن موسی الرضا...» (57)

22. ابن حجر هیثمی مالکی (973 ق.): وی درباره اولاد امام رضا چنین می گوید: «اجلّهم محمد الجواد، لکنّه لم تطل حیاته...» (58)

23. ابن عماد حنبلی دمشقی (1089 ق.): «الشریف، ابوجعفر محمد بن علی الرضا بن موسی الحسینی، احد الاثنی عشر اماما الذین تدعی فیهم الرافضة العصمة... و دفن عند جدّه موسی و مشهدهما یتنابه العامة بالزیارة.» (59)

24. مولوی عبدالفتاح بن محمد بن نعمان حنفی هندی (1096 ق.): «کان الامام محمد بن علی الرضا... و کان (علیه السلام) صاحب الخوارق والكرامة من طفولیتة و یقال انه أخبر انّ موته یكون ثلاثین شهراً بعد موت المأمون، فكان كما أخبر.» (60)

25. عبدالله بن محمد بن عامر شبراوی شافعی (1172 ق.): وی درباره فرزندان امام رضا(علیه السلام) می گوید: «وله من الاولاد خمسہ ذکور و بنت، اجلّهم و اشرفهم التاسع من الائمة محمد الجواد و هو ابوجعفر محمد الجواد بن علی الرضا بن موسی کاظم بن جعفر الصادق بن محمد الباقر بن علی زین العابدین بن الحسین السبط بن علی بن ابی طالب، و کراماته رضی الله عنه کثیرة و مناقبه شهيرة...» (61)

26. مؤمن بن حسن شبلنجی شافعی (1298 ق.): وی با تکرار کلام محمد بن طلحه شافعی، از امام تجلیل و به بزرگی یاد کرده و می گوید: «وان کان صغیر السنّ فهو کبیر القدر، رفیع الذکر، و مناقبه رضی الله عنها کثیرة...» (62)

27. یوسف بن اسماعیل نبهانی شافعی (1350 ق.): «محمد الجواد بن علی الرضا احد اکابر الائمة و مصابیح الامة من ساداتنا اهل البيت... رضی الله عنه و عن آبائه الطیبین و اعقابهم اجمعین و نفعنا ببرکاتهم، آمین.» (63)

28. علی حسینی فکری قاهری: «لقد احسن المأمون الیه و قربه و بالغ فی اکرامه و لم یزل مشغوفاً به لما ظهر له من فضله علمه و کمال عقله و ظهور برهانه مع صغر سنّه، و عزم علی تزویجه بابنته ام الفضل و صمّم علی ذلک

فمنعه العبّاسيّون من ذلك خوفاً من أن يعهد اليه كما عهد ابيه من قبل...» (64)

29. هادی حمو: «هو ابوجعفر محمد الجواد بن علی الرضا مات فخلفه فی الامامة و هو ابن سبع او تسع سنين و قد شغف به المأمون لما رأى من فضله مع صغر سنّه و نبوغه فی العلم والحکمة و الادب و کمال العقل ما لم يساوه احد فی ذلك من اهل زمانه، فزوّجه ابنته ام الفضل كما زوّج ابيه من قبل من اخته ام حبيب...» (65)

30. دکتر عبدالسلام ترماني: «هو محمد بن علی الرضا بن موسى الكاظم بن جعفر الصادق بن محمد الباقر بن علی زين العابدين بن الحسين السبط بن علی بن ابي طالب، ابوجعفر الملقب بالجواد، ثامن الائمة الاثني عشر عند الامامية، كان ذكياً، طلق اللسان، حاضر البديهة...» (66)

31. خيرالدين زركلي: «محمد بن علی الرضا بن موسى الكاظم الطالبي الهاشمي القرشي ابوجعفر الملقب بالجواد تاسع الائمة الاثني عشر عند الامامية كان رفيع القدر كأسلافه، ذكياً، طلق اللسان، قوى البديهة...» (67)

نصوص وارده بر امامت امام (عليه السلام)

در بعضی از متون اهل سنت روایاتی که بر امامت امام جواد(عليه السلام) از جانب امام رضا(عليه السلام) دلالت دارد، نقل شده که به بعضی از آنها اشاره می شود:

1. صفوان بن یحیی می گوید: روزی به امام رضا (عليه السلام) گفتم: «قد کنا نسئلك قبل أن يهب الله لك أباجعفر من القائم بعدك؟ فتقول: يهب الله لي غلاماً و قد وهبک الله و أقرّ عیوننا به، فإن کان کون و لا أردنا الله لك یوما فالی من؟ فأشار بيده الى أبي جعفر و هو قائم بین یدیه و عمره اذ ذاک ثلاث سنين. فقلت: و هو ابن ثلاث؟! قال: و ما یضرّ ذلك فقد قام عيسى بالحجة و هو ابن أقلّ من ثلاث سنين.» (68)

2. معمر بن خلاد می گوید: «سمعت الرضا يقول و ذکر شیئا فقال: ما حاجتکم الى ذلك هذا أبوجعفر قد أجلسه مجلسي و صيرته مکاني. و قال: إنّنا اهل بیت يتوارث اصاغرا عن أكابرنا القذة بالقذة.» (69)

3. جیرانی به نقل از پدرش می گوید: «كنت واقفاً بین یدی أبي الحسن الرضا بخراسان فقال قائل: يا سيدي ان كان کون الى من؟ فقال: الى ابني أبي جعفر. فكأنّ السائل استصغر من أبي جعفر فقال الرضا: إنّ الله بعث عيسى بن مريم نبياً صاحب شريعة مبتدئة في اصغر من السنّ الذي فيه أبوجعفر.» (70)

4. روایت شده: روزی امام جواد (عليه السلام) بر عموی پدر خود، علی بن جعفر، وارد شد. علی بن جعفر به احترام امام جواد (عليه السلام) از جا برخاسته و امام را مورد احترام و بزرگداشت قرار داد. اطرافیان به علی بن جعفر گفتند: تو در حالی که عموی پدرش هستی، این گونه وی را احترام می کنی؟ علی بن جعفر در حالی که دست بر ریش خود گذاشته بود، گفت: «إذا لم يرالله هذه الشیبة للامامة أراها أهلاً للتّار اذا لم أقرّ بإمامته.» (71)

1. تاريخ بغداد، خطيب بغدادى، ج 3، ص 54.
2. همان؛ نورالابصار فى مناقب آل بيت النبى المختار، مؤمن بن حسن شبلنجى، ص 160.
3. النجوم الزاهرة، ابن تغرى اتابكرى، ج 2، ص 231.
4. مطالب السؤل فى مناقب آل الرسول، محمد بن طلحه شافعى، ص 303؛ احسن القصص، على فكرى، ج 4، ص 284؛ مفتاح المعارف، عبدالفتاح بن نعمان حنفى، ص 82.
5. تاريخ احمدي، احمد حسين بهادرخان حنفى بريانوى هندی، ص 349؛ النعيم المقيم لعتره النبأ العظيم، عمر بن شجاع الدين شافعى، ص 411.
6. تذكرة الخواص، سبط بن جوزى، ص 321؛ مطالب السؤل، ص 303.
7. نورالابصار، ص 160؛ احسن القصص، ج 4، ص 284؛ تاريخ حبيب السير، خواند مير، ج 2، ص 91؛ تاريخ احمدي، ص 349؛ تاريخ الاسلام، شمس الدين ذهبى، ص 385؛ النعيم المقيم، ص 411.
8. تاريخ حبيب السير، ج 2، ص 91.
9. تاريخ الاسلام، ص 385؛ العبر، شمس الدين ذهبى، ج 1، ص 300.
10. تاريخ احمدي، ص 349؛ نورالابصار، ص 160؛ احسن القصص، ج 4، ص 284.
11. تاريخ الاسلام، ص 385.
12. تذكرة الخواص، ص 321؛ نورالابصار، ص 160؛ احسن القصص، ج 4، ص 294.
13. النعيم المقيم، ص 414.
14. تاريخ بغداد، ج 3، ص 55؛ النجوم الزاهرة، ج 2، ص 231؛ الفصول المهمه، ابن صباغ مالکى، ص 248؛ كفاية الطالب، محمد بن يوسف گنجى شافعى، ص 458؛ تذكرة الخواص، ص 321.
15. مطالب السؤل، ص 305؛ الفصول المهمه، ص 248؛ احسن القصص، ج 4، ص 284.
16. نزهة الجليس، عباس بن على مگى، ج 2، ص 69.
17. مطالب السؤل، ص 305.
18. تاريخ بغداد، ج 3، ص 55.
19. المختصر فى اخبار البشر، زين الدين ابوالفداء دمشقى، ج 2، ص 33؛ تتمة المختصر فى اخبار البشر، ابن وردى، ج 1، ص 332؛ تاريخ الاسلام، ص 385؛ شذرات الذهب، ابن عماد حنبلى، ج 3، ص 97؛ المنتظم، ابن جوزى، ج 6، ص 304.
20. تذكرة الخواص، ص 321.
21. كفاية الطالب، ص 310؛ الفصول المهمه، ص 257؛ نورالابصار، ص 245؛ نزهة الجليس، ج 2، ص 69؛ الصواعق المحرقة، ابن حجر هيثمى، ص 123؛ احسن القصص، ج 4، ص 294؛ جامع كرامات الاولياء، يوسف بن اسماعيل نبهانى، ج 1، ص 169.
22. مروج الذهب، على بن حسين مسعودى، ج 3، ص 464.
23. النجوم الزاهرة، ج 4، ص 294.
24. العبر، ج 1، ص 300؛ شذرات الذهب، ج 3، ص 97؛ رحله، ابن بطوطه، ص 237؛ تذكرة الخواص، ص 321.
25. الفصول المهمه، ص 257؛ نزهة الجليس، ج 2، ص 69.
- 26 و 27. مروج الذهب، ج 3، ص 464.

28. نورالابصار، ص 160؛ احسن القصص، ج 4، ص 296.
29. الفصول المهمّة، ص 248؛ نورالابصار، ص 160.
30. تذكرة الخواص، ص 321.
31. كفاية الطالب، ص 458.
32. مرآة الجنان، ج 2، ص 61؛ الائمة الاثنى عشر، ابن طولون دمشقى، ص 103.
33. سير اعلام النبلاء، ذهبى، ج 13، ص 121.
34. نورالابصار، ص 245.
35. همان؛ الفصول المهمّة، ص 269.
36. اصول كافى، ج 1، ص 353؛ بحار الانوار، ج 50، ص 68.
37. تاريخ بغداد، ج 3، ص 54.
38. الكامل فى التاريخ، ج 4، ص 242.
39. المناقب المطبوع فى آخر وسيلة الخادم الى المخدوم، فضل الله بن روز بهان اصفهاني، ص 296.
40. مطالب السؤول، ص 303.
41. تذكرة الخواص، ص 321.
42. كفاية الطالب، ص 458.
43. النعيم المقيم لعنزة النبأ العظيم، ص 411 و 412.
44. وفيات الاعيان، ابن خلّكان، ج 4، ص 175.
45. المختصر فى اخبار البشر، ج 2، ص 33.
46. تاريخ الاسلام، ذهبى، حوادث سال 220-211)، ص 385.
47. العبر، ج 1، ص 300.
48. سير اعلام النبلاء، ج 13، ص 121.
49. تتمة المختصر فى اخبار البشر، ج 1، ص 332.
50. منهاج السنه، ابن تيميه، ص 127.
51. مرآة الجنان، ج 2، ص 60 و 61.
52. رحله، ص 237.
53. النجوم الزاهره، ج 2، ص 282.
54. وسيلة الخادم الى المخدوم، ص 235.
55. تاريخ حبيب السير، ج 2، ص 92.
56. الائمة الاثنا عشر، ص 103.
57. تاريخ الخميس، ديار بكرى، ج 2، ص 336.
58. الصواعق المحرقة، ج 2، ص 596.
59. شذرات الذهب، ج 3، ص 97.
60. مفتاح المعارف، ص 82.
61. الاتحاد بحبّ الاشراف، عبدالله بن محمد شبراوى، ص 347 و 348.

62. نورالابصار، ص. 245.
63. جامع کرامات الاولیاء، ج 1، ص 168 و 169.
64. احسن القصص، ج 4، ص. 295.
65. اضواء علی الشیعه، هادی حمو، ص. 136.
66. احداث التاریخ الاسلامی، عبدالسّلام ترمانی، ج 2، ص. 1259.
67. الاعلام، خیرالدین زرکلی، ج 6، ص. 271.
- 68 - 70. الفصول المهمّه، ص. 265.
71. فصل الخطاب، خواجه پارسای بخاری، ص 58.